

تو خدای مگر کجا خا اینو نشاد در به انسا
بیمین میقی بی ن ن ن ن ن ن ن ن ن



در میان این جمعی که در میان این جمعی که

فهرست ساله قیامه درخت شناخت و خطوط و پاکه از ان تقادوت سعاد و روزن معلوم میشود

فصل اول درخت قیامه مردان شمل دوشنبه ۲

شعبه اول درخت قیامه کهن از روی خصلت مردان شمل بر دو نوع ۲

نوع اول در بیان تنه کهن کج خصلت است	نوع دوم در بیان تنه کهن کج خصلت است
-------------------------------------	-------------------------------------

شعبه دوم در شناخت علامات خیر و شر و سعاد و شقاوت مردان شمل بر دو نوع ۲

نوع اول در شناخت انبای خیر و شر از روی خصلت اعضا و مردان بر سه تایی ۲

شناخت پستانی ۴	خال پستانی ۵	شناخت ابرو ۵	شناخت چشم ۵
شناخت بینی ۵	شناخت گوش ۶	شناخت کام و زبان ۶	شناخت برن دندان ۶
شناخت لب ۶	شناخت دندان ۶	شناخت نخدان ۶	شناخت رخسار ۶
شناخت چهره ۶	شناخت دمان ۶	شناخت گردن ۶	شناخت کمر ۶
شناخت پشت ۶	شناخت باغ و پوست ۶	شناخت آرنج ۶	شناخت بند و دست ۶
شناخت خال کف دست ۶	شناخت انگشت ۶	شناخت پستان ۶	شناخت استخوانهای پهلوی ۶
شناخت شکم ۶	شناخت ناف ۶	شناخت آلت عاقل ۶	شناخت کمر ۶
شناخت بران ۶	شناخت موی ۶	شناخت باق ۶	شناخت زانو ۶
شناخت پاشنه ۶	شناخت پاشنه ۶	شناخت ناخن ۶	شناخت انگشتان پا ۶
شناخت استخوان دست پا ۶	شناخت خون ۶	شناخت آواز ۶	

نوع دوم در شناخت خطوط دست پا ۱۲

خطوط پستانی و کمر ۱۲	خطوط بند و دست ۱۲	خطوط کف و دست ۱۲	خطوط پاشنه و انگشت ۱۲
----------------------	-------------------	------------------	-----------------------

شناخت کبود گشتار	شناخت سکه بطین رنگ گشتار	شناخت پدم بطین گشتار	شناخت کمری ۱۸
فروع سوم در بیان کوهی و دمازی قد			
۱۸			
فصل اول در بیان شناخت قیافه زنان از پاهای			
۱۹			
شناخت کن یا	شناخت پشت پا	شناخت شکل پدم	شناخت پشته ۲۱
شناخت شانه گدا	شناخت شاق	شناخت اندام پاهای	شناخت سترین ۲۲
شناخت کمر	شناخت ناف	شناخت شکم	شناخت سینه ۲۳
شناخت پشت	شناخت سوز	شناخت پستان	شناخت کف دست ۲۴
شناخت ناخن	شناخت گردن گلو	شناخت نمدان	شناخت غنچه ۲۵
شناخت لب	شناخت بان	شناخت دندان	شناخت بر دندان ۲۶
شناخت زبان	شناخت کام	شناخت بینی	شناخت رخسار ۲۷
شناخت چشم	شناخت آبرو	شناخت گوش	شناخت پیشانی ۲۸
شناخت خال پیشانی	شناخت مو سر	شناخت مو پیشانی	شناخت مو گردن ۲۹
شناخت بی غرق	شناخت بی بان	شناخت قد	شناخت خور و برار و کرا و دمازی که رخنه و عظم و شرم ۲۹



بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الله حكيم المحيّد الفعّال لما يريد الذي خلق لعباده فسبحته
 سعيد وصالوة و سلام على افضل خلق حسن الخلق محمد المبعوث بالنبوة
 انما نتج لا بواب الخير والسعادات وعلى آله و عترته الكرام و صحبه طهارة الاسلام
 و بعد ازین مخفی میباد که این رساله است در علم قیافه و معرفت خطوط
 دست و پا و غیر آن که علامت خیر و شر و سعادت و شقاوت مر و زون
 از این معلوم شود و آن شصت و سه فصل اول در معرفت قیافه
 مر و آن شصت و سه شعبه اول در معرفت تن و عین و بعضی خصائل سنی و گناه
 و علامات سنی و گناه که دلالت بر خیر و سعادت کند و آن شصت و سه
 نوع اول در بیان تن و عین و بعضی خصائل و سیرت بدین فصل اول

بیان
 سنی
 شصت و سه

حسن خلق و نیک محضی دوشستم ستوم علم و بردباری چهارم حسن تقوی
 ثقلین و صاحب فطرتی عظیم صلاح و تقوی ششم اصالت و نجابت هفتم
 جودت طبع و صفای ذهن هشتم صاحب کمالی و عالی ثانی نهم علم و هنر
 دهم تواضع و فروتنی یازدهم استقامت مزاج دوازدهم لطف و رحمت سیزدهم
 شجاعت و دینداری چهاردهم لطافت و ظرافت پانزدهم محبت و دلداری
 شانزدهم اعتدال مزاج و شهوت بیستم زنده دلی و بکروچی سی و یکم باریک
 و خوش معاشی نوزدهم عصمت و عفت بیستم کم خواری بیست و یکم کم خوابی
 بیست و دوم خدمتکاری مرشد و بزرگان بیست و سوم حق گزاری اهل
 حقوق بیست و چهارم کارهای خیر و ثواب کردن بیست و پنجم جود و سخاوت
 بیست و ششم زهد و ورع بیست و هفتم حسنه و نیکو در حق مردم بیست و هشتم
 سخندانی و شرفی بیست و نهم عدالت و بصفت سی و ام شجاعت و جلال
 سی و یکم حق گزاری و خدمتکاری مخدوم سی و دوم قدر دانی خادم
 نوع و دوم در بیان سخن بحسب خلقت اعضا و صورت از جمله آنچه
 سنج باید برفت عضو است اول ناخن دوشستم ستوم لب چهارم کام پنجم
 زبان ششم کف دست هفتم کف پا و آنچه باریک و تنگ باید بخت

بیان بیست و
 هفت خلقت
 اعضا

اول بندای اعضای و مفصل دوم دندان سوم حلقه بدن چهارم ناخن پنجم
موی و آنچه پود فرجه باید سه است اول پیشانی دوم رخسار سوم سینه و آنچه در
باید پنج است اول بینی دوم فاصله هر دو پستان سوم چشم چهارم نایخ پنجم
بازو و آنچه کوتاه باید چهار است اول کتف و دوش دوم ذکر سوم ران چهارم
کردن و آنچه بلند باید پنج است اول پیشانی دوم چهره سوم ناخن چهارم سینه پنجم
بینی و آنچه عمیق باید سه است اول ناف دوم آواز سوم عقل و عین شکر
باشد میان سیرت صورت و اعضا مذکور که در هر دو نوع ذکر یافت شکر
باشد میان مرد و زن مگر بعضی چیز که مخصوص مرد است مثل شجاعت و دژی
و کوتاهی ذکر و غیر آن شعبه دوم در معرفت علامات خیر و شر و سعادت
شقاوت و آن متوع است بسبب نوع نوع اول در معرفت علامات خیر
و سعادت و شقاوت بحسب خلقت اعضا از سزا باید برین تفصیل پیشانی بلند
بخت آوری و دو تنیدی بود و پیشانی کشاده محبت عدال و عباد و خوشی
مثل نصف ماه علامت سلطنت و دولت بود و پیشانی پهن و کشاده علامت
علم و دانش بود و پیشانی تنگ و پست علامت کوتاهی عمر و زنجی باشد
پیشانی مایل و پست و بلند علامت ریخ و محنت و کد زانیدن و ستمی

شعبه دوم در معرفت
علامات خیر و شر و سعادت
و شقاوت و آن متوع است
بسبب نوع نوع اول در
معرفت علامات خیر و
سعادت و شقاوت بحسب
خلقت اعضا از سزا باید
برین تفصیل پیشانی بلند
بخت آوری و دو تنیدی
بود و پیشانی کشاده
محبت عدال و عباد و خوشی
مثل نصف ماه علامت
سلطنت و دولت بود و
پیشانی پهن و کشاده
علامت علم و دانش بود
و پیشانی تنگ و پست
علامت کوتاهی عمر و زنجی
باشد پیشانی مایل و پست
و بلند علامت ریخ و محنت
و کد زانیدن و ستمی

و دشواری باشد و خال بر پیشانی علامت بخت آوری و سبب خرد در سر
یعنی در پنهانی مثبت موی سر مقابل آبرو و طرف چپ رست سر که موی باشد
علامت بخت آوری بود آبرو کشیده و خوش خم و دنباله دار علامت دولت
و سلطنت بود و آبرو پوسیده علامت دزدی باشد و آبروی پیوسته علامت
مکتب و فلاکت بود اگر استخوان میان آبرو و بسیار بلند برآمده باشد
علامت دولت و سلطنت بود چشم سیاه و سفید که رگهای سرخ دروی
پراکنده باشد علامت شاه پرستی و نظر بازی و بهره مندی از زنان بود
خصوصا اگر خال سیاه بر سطح بیاصل دیده باشد چشمیکه رنگ چشم شیر بود یعنی
اندرک میگوئی زنده علامت شجاعت و تهور باشد و چشمیکه مثل چشم گاو و گلهان
بود و بطنه دیده اش بلند برآمده باشد علامت و قاجات و بی شرمی بود
و چشمیکه مثل چشم گربه با زرق و کبود و سبز رنگ باشد علامت بد خلقی بود
بود خصوصا اگر که در حدقه مثل زنار دار و زنه شک سلیمانی طوفی دیگر باشد
و مع هذا اگر آن مرد کوچک بود بدتر باشد یعنی دراز بلند با نام علامت دولت
و سعادت نبود یعنی مثل منقار طوطک که اندکی پشته دار و از پیش خمیده
میانه با نام بود آن نیز علامت دولت و سعادت بود و بر بینی که دوزاری

خال
پیشانی
آبرو

آبرو

چشم

بینی

گوشتی و بلند و پستی و باریکی و فریبی سیاه و خوش اندام و خوشنما بود علامت
 نیک باشد و پستی بسیار بلند و باریک و پشته دار علامت سبکساری و پستی
 پست و پستی علامت شهوت بود و پستی که از میان و از پیش و پس بلند باشد
 علامت شرارت و بردازی بود و پستی باریک و کج چنانچه سر پستی و پراکنده
 باشد علامت بد خلقی و بد رو بود و پستی گنده و فریب و فراخ علامت سخت
 و کبر بود و پستی که در رازی و کوتاهی و باریکی و فریبی و بلند پستی را خد
 اعتدال تجاوز بود پسندیده نباشد گوش کلان و پستی علامت عمر دراز
 باشد و گوشیکه در رازی و کوتاهی و لاغری و پنهان و سی احدا اعتدال بود
 علامت سعادت و اخلاق پسندیده باشد و موسی بر گوش علامت رنج
 و محنت بود کام و زبان سرخ علامت دولت و مال بود و کام و زبان سفید
 علامت نکبت و فلاکت باشد و زبان سیاه علامت شقاوت و بد پستی باشد
 و زبان فریب و خشک علامت در و عکوبی باشد گشته سیاه یعنی گوشت بدن
 که سیاه باشد علامت دولت و مال بود و لبهای سرخ علامت سعادت و
 دولت بود و لبهای سیاه علامت نکبت و بید و لبی باشد اگر لب تیره
 کج یا سطر باشد علامت رنج و محنت بود و دندانهای خسرو و باریک علامت

سخت

سخت
زبان

سخت
سخت

سخت

سخت
فراخ

مثل

مثل دندانهای انار علامت دولت و سعادت بود و دندانهای بران
 و جلادار علامت دولت و مال بود و علامت فقر و تنگ دنیا باشد در آنجا
 بی رونق و بی جلاد کم و زیاده و از هم پراکنده و دراز و فاصله دار مثل دندان
 خرس و خوک این همه علامت رنج و محنت و نکبت و فلاکت بود و دندانها
 بالایی دندان رسته علامت دولت و مال باشد و دندانهای غمبار علامت علم
 و هنر بود و دندان علامت دولت و عیش و عشرت باشد و دندان
 علامت دولت و سلطنت و دندان علامت تنگ باشد و سبب دندان
 علامت رنج و محنت بود و دندان زیاده از سی و دود و کم از سیست نه علامت
 ظلم و بی رحمی و قسوت قلب بود و رنج در و خوش گوشت و در و از بی گوشت
 و فزی و باریکی میان علامت سعادت و دولت بود و خال بر رنج علامت
 زنا کاری و زن طبعی بود و باید که مردان بران بوسه زنند رخسار را با
 خوش گوشت علامت دولت بود اگر در وقت سخن گفتن و خندیدن در رخسار گو
 افتد علامت سعادت و دولت بود و چهره باریک خوش گوشت فاکل بران
 علامت شرم و حیا بود و همان تنگ مثل شنبه کل علامت سعادت و دولت بود
 و همان مثل موس و سپ علامت نکبت و فلاکت بود و گردن باریک علامت

پنج
 یک
 ده
 بیست
 صد

ابریک و دانی بود و گردن فرسوده کننده علامت نکبت و فلاکت بود و گردن
 مثل گردن غان یعنی دراز و باریک و خمدار و ملوم از پیش برآمده علامت نکبت
 و فلاکت و زنده و گناه باشد گردن کوتاه علامت شیطنت و شرارت بود و گردن
 دراز از حد زیاده علامت دزدی باشد و گردن گداز و دزدی و کوتاهی و قری
 و باریکی میان و بعد اعتدال باشد علامت سعادت و دولت بود و قفا مثل قفای
 قیل یعنی اندکی برآمده و پشته دار علامت نکبت و فلاکت است پشت خرو
 میان علامت سلطنت و دولت بود و پشت دراز و مجاوز حد اعتدال علامت
 نکبت و فلاکت باشد بازوهای دراز علامت بهوشندگی و دانی بود و بازو
 بازویی خورده علامت بندگی و غلامی بود و بازو در درازی و کوتاهی قوی
 و باریکی میان علامت سعادت و دولت بود اگر دست راست از دست چپ
 دراز بود علامت شجاعت و تهور باشد و اگر دست چپ از دست راست دراز
 بود علامت جبن و بردگی باشد آرنج مثل آرنج شیر یعنی پرکشت خوش اندام
 علامت دولت بود و آرنج مثل آرنج اسب یعنی قوی و پرکشت علامت
 شہوت و دولت باشد و آرنج خشک و باریک مثل آرنج بوزینه علامت نکبت
 و فلاکت بود اگر بندگاه پنجه دست مثل شیر بود چنانچه ساعد و پنجه و پستان

گشت
 پشت

بازو

دست

آرنج

بند

ساخته

نمایه علامت دولت و تهور شجاعت باشد خال سیاه در کف دست چنانچه
 اگر پشت به بند در پشت بنمایه علامت دولت و مال نیست بود چون
 انگشتان دست را با هم متصل ساخته رست بدارند اگر در پنج انگشتان
 هر دو انگشت فاصله نماید و در حقیقت دراز نماید علامت است که آنکس صاحب
 بود و مال پیش او جمع نشود و اگر فاصله نماند و در حقیقت نمایه علامت است که
 آنکس ممسک باشد و مال پیش او جمع شود اگر انگشت خضر دست رست دراز
 چنانکه از بند اول انگشت نهم بگذرد آنکس در دولت و نعمت از پدر خود
 نیامده کرد و پدر و پستان فریه علامت دولت و مال بود اگر پستان چپ
 فریه ترازی پستان رست باشد او را زن خوب نصیب کرد و پستان باغ
 کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود پشت استخوان در پهلوی علامت
 سلطنت و پادشاهی بود و نه استخوان در پهلوی نیز علامت سلطنت و دولت
 بود و ده استخوان در پهلوی علامت فقر و درویشی باشد و یازده استخوان در
 پهلوی علامت کمال نه و دوازده استخوان در پهلوی علامت
 ریخ و محنت و فلاکت بود و سیزده استخوان در پهلوی علامت دولت و مال
 بود چهارده استخوان در پهلوی علامت بزه و گناه باشد شصت و یک علامت

انگشت

پنج

پهلوی

شصت و یک

نعمت و مال بود و شکم پر گوشت خوش اندام نیز علامت نعمت و دولت باشد
 و شکم دراز بی گوشت و گبورفته و با پشت چسبیده علامت نکبت و فلاکت
 بود مناف عمیق خوش گوشت علامت دولت و مال بود و ذکر بسیار
 دراز علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر ذکر از طرف رست بلند تر باشد
 زن خوب و نیک بخت نصیب او کرده و اگر از طرف چپ بلند تر باشد و
 فرزندان و اولاد بسیار شود و آنرا از زن خوب بی نصیب باشد و در سنج
 محنت بود و اگر سرد کرد بلند و پشت آن پست تر کرد و زن خوب نصیب
 نشود و عیش و عشرت کم تر آید و اگر بعکس این بود یعنی پشت ذکر بلند تر باشد
 و سر آن پست تر بعکس آن باشد یعنی از لذت جماع محروم گردد و زن
 از وی ناهشتمند ماند خال سیاه بر ذکر علامت عیش و عشرت بازماند
 بود و اگر کسی بوی بی دهنش باشد علامت کثرت اولاد و فرزندان
 و مال و دولت بود و اگر بوی شهید و شهته باشد علامت عیش و عشرت
 بازمان بود و اگر بوی مست و ملخ و شهته باشد طبیعت آن مرد فزون
 فخر زمان رجب و مال بود و در وقت بول کردن اگر یک فواره از
 نازنه جهد علامت دولت بود و اگر دو فواره جهد علامت علم و دانش

بیست
 و شش

نه

باشد و اگر سه خوانه جهد علامت زهر و تقوی و پرهیز بود و اگر چهار خوانه
 جهد علامت نکبت و فلاکت باشد رانی که مثل آن آهو باشد یعنی پر گوشت و
 خوش اندام بود علامت دولت و سعادت بود و ران مثل ران اسپ یعنی
 و قوی و پر گوشت علامت دیهقان و کشاورز بود و ران مثل ران شیر
 یعنی مختصر و قوی و پر گوشت علامت دولت و مال بود و ران بسیار دراز
 کم گوشت و بسیار خرد و فرسیده اندام علامت بزه و گناه باشد موی بسیار
 بر ران علامت خواستش و رغبت بر زنان باشد و اگر موی باطل نباشد
 علامت نکبت و فلاکت بود و اگر در هر سام یک موی رسته باشد علامت
 دولت بود و اگر دو موی در یکجا رسته باشد علامت علم و دانش بود
 و اگر سه موی در یکجا رسته باشد علامت عبادت و خدا پرستی باشد و اگر
 چهار در یکجا رسته باشد علامت نکبت و فلاکت بود و مویهای درشت و
 گنده در بدن مثل موی گاو و فیل علامت علم و دانش و شهرت باشد
 و مویهای نرم و باریک علامت ریج و محنت بود و مویهای دراز و
 نازک علامت درازی عمر بود و مویهای خرد و کوتاه علامت نکبت
 و فلاکت باشد و مویهای پر گوشت خوش اندام علامت دولت بود

رین

موی

موی

و تاق پای قوی مثل ساق جاموس علامت آنست که زن خوب است
 شود و تاق دراز خشک کم گوشت علامت نکبت و فلاکت باشد و زانو
 کلان خوش گوشت علامت دولت و عیش و عشرت باشد و زانوی کلان
 بسیار گوشت علامت نکبت و ریخ و محنت باشد و زانوی مثل زانوی شیر بود
 علامت سلطنت و دولت بود و زانوی مثل زانوی آهو و موش و حوک
 نیز علامت دولت باشد و زانوی مثل زانوی بوزینه و حوک و خر و شغال
 علامت نکبت و فلاکت بود و پاشنه پای درازی و کوتاهی و فرنی و کلاغ
 میان علامت دولت بود و پاشنه پر گوشت علامت دزدی بود و پاشنه
 دراز و ریخ و فلاح میان باشد و بسیار خورد علامت نکبت و فلاکت باشد
 پششت پا خوش گوشت خوش اندام مثل پششت کشف علامت سعادت
 و دولت بود و کف پا کم گوشت که میان کف پا بر زمین نباشد و
 کاواک مانند علامت سعادت و دولت بود و کف پا پر گوشت که میان
 کف پا بر زمین و هیچ کاواکی مانند علامت پیدی و بی باشد و در زنان
 باشد ناخه های دراز و ضعیفی سرخ و ضعیفی سفید و نکشتان هموار و باهم
 ملاصقت و مجتمع چنانکه قدر می سرجه نباشد علامت سعادت و دولت بود

نوع

نخچه

نیت

سرف

نخن

ناخنهای پا پیچیده و از هم جدا نموده و نامبار و سفید یازد و پنجه بپای پس و گشتان از
 هم جدا علامت بیداری بود و ناخنهای پا که بسیار سیاه باشد علامت دزدی
 و بند و زنجیر و سرگردانی و پریشانی بود و گشتان پا خرد و کوتاه علامت
 بدخونی بود و بنایت خرد و کوتاه علامت دزدی بود و ناخنهای که به هم
 از گشتان دیگر جدا و فاصله باشد علامت ریخ و محنت و مشقت جنگونی
 باشد و گشت میانه پا که از گشت سیاه به دراز تر بود علامت گشت
 زن نیک نصیب او شود و اگر گشت بنصر پای از گشت میانه و سیاه
 دراز تر بود علامت گشت که زن خوب و نیک نصیب او شود و علم
 دانش آموزد و اگر گشت خنصر یا دراز تر بود علامت آن است که مردم
 بر او طعن زنند و مذمت کنند و اگر گشت مذکور خرد تر بود علامت علم
 و دانش باشد استخوانهای دست پا و غیر ذلک دراز و خوش گوشت
 باشد علامت سعادت و دولت و راحت و آسودگی بود و استخوانها
 دراز خشک و کاداک بی گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و استخوان
 خرد و کوتاه بسیار گوشت نیز علامت نکبت و فلاکت باشد خون
 بدن که سرخ و خوش رنگ باشد علامت دولت بود و اگر مائل کبود است

تخت

تخت

تخت

و سبای بود علامت عیش و عشرت باشد و اگر نیم یک بر یک گلگون بود علامت
 پنج و محنت و کثرت و لا و دختران باشد آواز مثل آواز هنس علامت
 سعادت و دولت بود مثل آواز طاووس سی بسیار بلند و صاف خوش
 نیز علامت دولت بود و مثل آواز قوچ علامت شہوت و سی بود و آواز
 درشت مثل آواز دبل علامت کسب بود نوع دوم در بیان معرفت
 خطوط دست و پا و غیره یک خط در پیشانی بعرض یعنی از شقیقه تا شقیقه
 علامت دولت و مال بود و دو خط علامت سلطنت و درازی عمر بود
 و چهار خط علامت بیداری و درویشی باشد پنج خط نیز علامت بیداری
 بود و عدم خط در پیشانی علامت ترک دنیا باشد و نیز کو سینه پنج خط در پیشانی
 علامت صد ساله عمر باشد و چهار خط علامت هشتاد ساله عمر و سه خط علامت
 شصت ساله عمر و دو خط علامت چهل ساله عمر و یک خط علامت سی ساله
 عمر و عدم خط علامت کم عمری بود و خط شلخت در پیشانی یا خط راست
 قائم مثل حرف الف علامت ریاست و مہتری بود و زنان اوراد و
 دازد یک خط در کلو علامت علم و دانش بود و دو خط علامت ہنرمندی
 باشد و سه خط علامت ہوشمندی و دانائی بود و یک خط در بند گاہ دست

حروف

نوع
 پنج
 خط
 دست
 یک
 خط

خطوط

خطوط

نحوه کف دست

نزدیک پنجه علامت سعادت و دولت بود و در خط علامت علم و دانش
 بود و سه خط علامت کمال نبرد و ریاضت بود و در کف دست خطوط
 به شکل خندان یا طعنه یا برین علامت تجارت و بازرگانی و مالداري بود
 و به شکل باسی علامت دولت و ثروت و فتح الباب باشد و به شکل دگردان علامت
 دزدی بود و خطی به شکل لاله یا یک پیل علامت دولت و مال و ثروت و تجارت
 باشد و به شکل مربع و کعبه دست علامت ثروت و تجارت بود اما آنکس که در
 بند و زندان باشد و به شکل شلک در کف دست علامت دولت و مال بود پس
 اگر خط مذکور از طرف زیر کشاده باشد یعنی خط این طرف سر امر رسیده و اطمینان
 نامه کرده باشد بلکه از میان کسمه بود علامت است که مال بقوت و خور
 بر زبان فاحشه و قهقهه تلف کرد و اگر کشاده باشد علامت است که مالش بزرگ
 رود یا به خوشن و عرق شدن مثال آن تلف کرد و اگر شست از طرف بالا
 کشاده باشد علامت است که اصلا مال بدستش نیاید و همیشه شکست
 کند و نرسد به حال درست و سالم بودن خط مذکور از پشت علامت جمع شدن
 دولت و مال و کشاده و ناقص بودن آن علامت تلف شدن مال
 و اگر خطی از بن کف دست بالا رود و با انگشت سیاه یا وسطی برسد علامت

دولت و مال بود و اگر آن خط بر خط شلک کشید و بجای نیکو باشد و خطیکه
از نزدیکی آن گشت خنصر بالا رود پس اگر آن میان پایه وسطی منتهی
گردد و از تنج جاکسته و منقطع نشده باشد علامت درازی عمر بود و اگر
و کوتاهی عمر را از درازی و کوتاهی این خط معلوم نمایند و بر کنار کف دست
مابین خط مذکور خنصر هر قدر که خطهای خنصر باشند همان قدر دلالت بر زنان
کند که بخت او در آیند اگر یکی باشد کزن و اگر دو باشد دو زن و زیادتر
بر این و مابین خط مرسوم و بند دست بر کنار کف دست هر قدر که خطوط
خنصر باشند همان قدر عدد فرزندان دلالت کند دراز بر پیران و
خرد بر دختران و در زیر تنج آن گشت ابهام تا نصف کف دست در عرض
خطوط خنصر بر او لاد و فرزندان دلالت کند و خط بندهای انگشتان که شکل جوی
و کشاده و فراخ علامت فراخ دستی و بخت و خرج بسیار بود و خطیکه شکل
جک فیل در کف پا باشد علامت سلطنت و دولت بود و خطیکه از پا باشد پایا
رود و با گشت ابهام منتهی گردد علامت دولت و نعمت بود و اگر خط سه شاخه
در پلین انگشت وسطی باشد علامت عیش و عشرت باشد و اگر در پلین انگشت
بنده علامت فسق و فحش بر زنان باشد و اگر در پلین خنصر بود علامت زنا یا

خطیکه
در کف پا

و عرفان باشد یک چکر در نگاشتن دست علامت دولت و مال بود و
 چکر علامت علم و هنر باشد و سه چکر علامت دولت و سعادت بود و چهار
 چکر علامت فلاکت و نکبت بود و پنج چکر علامت هنر و عیش و فلاح بود
 و شش چکر علامت شهوت و لذت و عیش و عشرت باشد و هفت چکر
 علامت شجاعت و بهور باشد و هشت چکر علامت خشم و غضب باشد و نه
 چکر علامت دولت و سلطنت بود و ده چکر در بطن نگاشتن هر دو دست
 علامت دولت و فتح الباب باشد یک سنکه در بطن سر نگاشتن دست
 علامت دولت و رحمت بود و سنکه با شش خطوط تو بر تو در بطن نگاشتن
 شبیه یک پائل ببرزای سر نگاشتن و دو سنکه علامت نکبت و فلاکت باشد
 و سه سنکه علامت در یوزه گری و کدانی بود و چهار سنکه علامت علم و هنر باشد
 و پنج سنکه علامت نکبت و فلاکت بود و زیاده پنج سنکه تاده سنکه علامت
 دولت و سلطنت باشد یک پدم در بطن نگاشتن دست تا چهار پدم
 علامت دولت و مال بود و پدم بیخ اول و سکون ثانی و سیم خطی بود و کل
 چهار برگی و از چهار پدم تا نه پدم علامت دولت و طالع مندی بود و ده
 پدم در نگاشتن هر دو دست علامت کمال فقر و دشمنی ترک دنیا باشد

چکر

چکر

چکر

کو رُی و ر بطن بکشتان دست از یکی تا پنج علامت نه
 و روح و تقوی و پرہیز باشد و زیاده از پنج تادہ علامت کمال درویشی
 فقر و عرفان بود کو رُی ششم کان خطوطی باشند بکل خمیرہ و خطوط بسیار در
 کفایت زیادہ برستہ خط علامت محنت و رنج و کذب و دروغ کو بی بود و
 پوشیدہ نمازد کہ در دین خطوط دست با در مدان طین شرست اعتبار کنند و در
 زمان طین حجب نوع سووم در بیان قد و قامت باید دست کہ قد خط
 و دو انگشت علامت کمال فضل و عزت و اعتبار باشد و اما اول انگشت و بی در
 نیز کند و مقدار شش انگشت علامت دردی بی اعتباری و فریبندگی و
 و طمع و بخل و بعلی باشد و مقدار نو انگشت در مرتبہ ادنی بود و مقدار
 صد انگشت در مرتبہ اعلی و قد کہ مقدار نو انگشت باشد دلالت
 بر سی سالہ عمر کند و از نو انگشت تا یکصد و دہ انگشت آنچه بنفیر امید سر مر
 پنج سالہ عمر بنفیر امید مثلاً نو و یک انگشت دلالت بر سی و پنج سالہ عمر کند
 و نو و دو انگشت بر چهل سالہ عمر و علی ہذا القیاس تا یکصد و دہ انگشت بہر
 پنج سالہ بنفیر امید چنانچہ یکصد و دہ انگشت دلالت بر یکصد و سی سالہ عمر کند و از یکصد و
 تا یکصد و ست انگشت آنچه بنفیر امید سر مر شصت و پنج سالہ عمر بر یکصد و سی سالہ عمر بنفیر

عروسی

ف

تحت

و بیان

و در

و

چنانچه قد یکصد میزده انگشت دلالت بر یکصد و سی و هفت ساله عمر و قد
 دو آزده انگشت دلالت بر یکصد و چهل و چهار ساله عمر کند علی بن ابی القیاس
 بهر انکشی هفت ساله عمر بفراید چنانکه یکصد و بیست انگشت قد دلالت
 بر دویصد ساله عمر کند و چون از یکصد و بیست انگشت قد بفراید عمر جاودا
 یابد و علم ازلی حاصل کند و اندلسم فصل دوم در معرفت قیافه زنا
 از پامی تا سر بدین کف پامی نرم و خوش گوشت چنانکه چون پا
 بر زمین گذارد تمام کف پامی بر زمین رسد و نقش پامی درست ظاهر گردد
 علامت سعادت و دولت بود و اگر میان کف پامی بر زمین نرسد علامت
 شقاوت و بیوکی بود و پشت پامی خوش گوشت و هموار مثل پشت کشت
 سعادت و دولت بود و خشک و دراز و کاواک علامت محنت و فلاکت
 بود شکل پدم یعنی گل کول و چکر یعنی دایره تو بر تو در کف پامی علامت
 و دولت بود و هر چند شکل پدم و چکر بر کف پامی بیشتر باشد سعادت و دولت
 زیاده تر و اگر در کف پامی شکل چوبیا بک فیل باشد علامت سلطنت سعادت
 و دولت باشد آن زن البته پادشاه شود یا پسر که از این کج در آرد انکس بدست
 عن سدا و اگر شکل سنگه باشد یعنی دایره مائل بدرازی شبیه حکم علامت

ضمیمه
 در معرفت قیافه زنا
 کف پامی

نکته
 در معرفت قیافه زنا
 کف پامی

غصه سری و بدخونی و بد خلقی بود و اگر در سایه کف پای خطی بود دراز
 چنانکه از پاشنه تا انگشتان پای رسد چنانکه در فصل اول ازین باب گذشت
 علامت سعادت و دولت بود و اگر انگشت ابهام پای باریک و سیخ بود
 علامت آن بود که آن زن در رضا جوئی و فرمانبرداری و اخلاص مندی
 شوهر بسیار کوشد و قهری و گندگی ابهام پای علامت آن بود که آن زن
 زود بچره گردد و اگر انگشت سبابه پای دراز تر از انگشت ابهام باشد علامت
 آن بود که آن زن پر شهوت باشد و مرد بیگانه را بسیار دوست دارد و اگر
 از حد زیاده دراز باشد آن زن در وقت دو شیرگی بدکاره بود و اگر انگشت
 مذکور خرد باشد علامت بدخونی و بد خلقی بود و اگر انگشت وسطی پای دراز تر
 باشد علامت بد فعلی بود بعضی گویند زود بچره گردد و اگر آن انگشت از پا
 رست بزین برسد آن پیش شوهری اعتبار بود و شوهر گفته او را قبول کنند
 و اگر همان انگشت از پای چپ بزین بخورد علامت دولت بود و اگر انگشت
 بنصر پای از وسطی دراز تر بود آن زن زود بچره گردد و اگر انگشت مذکور خرد
 باشد علامت بد خلقی و بدخونی بود و اگر همان انگشت بزین نرسد و معنی
 دو شوهر کند و اگر انگشت خضر پای دراز تر بود دلیل بر عجز و بیای بود و آن

زن شوهر بسیار کند و اگر خرد تو بر تو بر زمین بخود نیز علامت برضی بود و البته
 شوهر دیگر کند و اگر نکشت مذکور از پایی چپ بر زمین رسد علامت سعادت بود
 و هر کس را در دوست دارد و اگر چهار نکشت پایی بر زمین رسد چهار شوهر او را میبرد
 و پاشنه پایی اگر دراز باشد شوهر او را بسیار دوست دارد و اما از شوهر جدایی بسیار
 کند و نیز او را یعنی برادر خرد شوهرش را بیم ملاک باشد و اگر گنده و سطر باشد
 علامت نکبت و فلاکت بود و اگر از طرف راست اندکی فریب و گنده بود و علامت
 شرم و حیا و عصمت و عفت باشد و پاشنه میانه و نرم و نازک علامت دولت
 و سعادت بود و شاکلنگ گنده و بلند مثل شاکلنگ کا و میث علامت قید
 و زنجیر و شاکلی شوهر باشد و آن پایی خوش گوشت و گا و دوم و صاف و بی
 علامت سعادت و دولت بود و ساق سطر و پرموی علامت پرستاری
 بود و ساقی که مثل ساق زراغ و اندک موی باشد و مویش مثل نخ و پرموی
 همیشه پریشان احوال باشد و اگر در وقت راه رفتن از ساقش و یا از مخرج
 آواز بر آید فرزندان نزد شوهرش میر و زنیکه اندام نهانی او هست و بلند باشد
 آن زن بدکامه بود و شوهر بسیار کند و اگر مانند سپت کشف باشد یعنی
 پشته دارد و خوش گوشت و خوشنا باشد علامت سعادت و دولت بود

چهار

سجده

سجده

سجده

و اگر بلند باشد نیز علامت دولت بود و اگر خرد باشد علامت ثو انگری و
 مال داری بود و مع هذا اگر درشت و سخت و پر موی مثل موی فیل باشد آن
 زن البتة کنیز و پرستار گردد و اگر از جانب رست اندکی بلند باشد علامت
 بیدری بود اما بسیار پیران زیاده و اگر در خوشک و بی گوشت باشد علامت
 شقاوت و ولادت و فلاکت باشد و اگر بر پیشانی اندکش پیوستی باشد و در او زخم
 صاحب دولت بسیار باشد و اگر از جانب رست اندکش یا بر پیشانی آن
 خال سرخ باشد علامت دولت و سلطنت بود و اگر داغ سیاه باشد مع هذا
 و از بود علامت رنج و محنت باشد و سرین پر گوشت و بلند و همین علامت
 سعادت و دولت بود و کم تار یک مثل کمر شیر و یوز علامت سعادت و دولت
 بود و کم تر به وسطه علامت اندیشه بود و ناف عمیق علامت آفت
 که شوهرش بسیار بخوار و دوست دارد و ناف مدور و خوش گوشت علامت
 عیش و عشرت بود و اگر ناف چند چین بفتد و موی شکم رنگ طلا باشد
 علامت سعادت و دولت بود و آن زن البتة پادشاه شود و اگر از سر
 ناف تازی خطی باشد از مویهای نرم و باریک علامت دولت و سعادت
 بود و اگر ناف جانب رست اندکی بلند بود علامت سعادت و دولت بود

این
 سر
 ناف

و اگر زبانش خال زرد مثل زعفران باشد علامت دولت بود و پسران باید
 و نافع کم گوشت بدون برآده علامت نکبت و فلاکت بود شکم خوشبو گشت
 خوش اندام باهیشت علامت سعادت و دولت بود و شکم که بایند گشت
 یعنی پهن و پر گوشت باشد علامت پسر زائیدن صاحب دلتی باشد اگر
 بر شکم رگهای نملکون نمودار باشد خواه زن باشد خواه مرد علامت سلطنت
 دولت بود اگر رگهای سبز بود علامت بر خلی و قحطی باشد و اگر مرد باشد علامت
 غنم و فخر روزنا بود و اگر بر شکم لیس یعنی لکه سیاه باشد علامت فقر و درویشی
 و سرگردانی بود خواه زن باشد خواه مرد و اگر بر سینه رگهای سبز باشد علامت
 علم و دانش و دولت و مال بود و شوهرش بسیار دوست دارد سینه بلند و
 علامت بخت و محنت بود پشت بلند علامت پرستاری بود و توشی که مثل پشت
 کلنگ باشد یعنی اندکی شسته در علامت قوادگی و دلاگری باشد و پشتیکه مثل
 پشت آهو باشد علامت سعادت و دولت بود و توشی بر پشت علامت نکبت
 و فلاکت بود و پشت بر پشت علامت بخت بود و شوهران بسیار را بملاک نمود
 و لیس بر پشت یعنی اخ سیاه علامت دولت و سعادت بود و اگر بر پشت
 رگها نمودار باشد علامت دراز میسم بود پشت دراز گاو و اگ علامت

سیاه

سینه
پشت

پشت

لیس پهن

ریخ و محنت و فلاکت بود پستان کرد خوش قبه و خوش گوشت و خوش
 که رگها بران نمودار باشد علامت سعادت و دولت بود و شوهرش
 بسیار دست دارد و پستان دراز پر گوشت علامت فرزندان و اولاد بسیار
 بود و پستان بسیار دراز کم گوشت علامت ریخ و محنت و فلاکت بود و خود
 و کم گوشت به غیر مثل خرطیه خالی نیز علامت نکبت و فلاکت باشد و پستان
 بلند بی اندام درشت ترکیده جلد علامت کنیزی و پرستاری بود و درشت
 جلد سرخ رنگ علامت بی فرزندی باشد و اگر زیر پستان خال سرخ یا سه
 سرخ واقع شود آن زن اول پسر زاید خصوصا که خال یا سه جانب چپ
 باشد و اگر آن خال به پهلوی یا بر کله یا بر گوش یا بر دست جانب راست باشد
 نیز علامت همین حکم دارد و اکثر پسر زاید و اگر یک پستان بخت باشد و
 دیگر نرم یا یکی کلان و دیگر خرد علامت ریخ و محنت و غم و اندیشه بود
 آفت دست خوش اسلوب و خوش گوشت و خوش اندام و نرم ناز
 و کف دست سرخ مثل کول علامت سعادت و دولت بود و خشک کم گوشت
 و کاداک و سیاه و عکس آن باشد ناخوش شسته دارد و بهر مثل پشت کشف باریک
 و سرخ رنگ براق مثل یک کول علامت سعادت و دولت بود و ناخوش طبع

ریخ

علامت

ریخت

و فروخته شده و بچلانا هموار و ترکیده و زرد یا سیاه رنگ همه بر عکس آن باشد
 و اگر در کف هست نشان پدم یعنی گل کول و جتر و برون و ماهی و الا یعنی
 کوری یعنی خر مبره باشد علامت سعادت و دولت بود و آن را بهشت پادشاه
 شود یا شود بر سرش بر دولت عظیم برسد و بانی خطوط و زین مثل خطوط دست
 میباشد مگر در مردان دست راست معتبر است و در زنان دست چپ
 چنانکه در نوع دوم از شنبه اول گذشت گردن و گلو که مثل گردن و
 گلو می آید باشد علامت سعادت و دولت بود و گردن کوتاه و باریک
 یا بسیار سبط و فریه علامت بخت و فحمت و فحمت بود و گلو می و حلقوم دراز
 و سبط و پاند ام علامت محنت و فحمت بود و زرخندان میان خورشید
 و زور علامت سعادت و دولت بود و خصوصاً که چاه دشته باشد و زرخندان
 دراز و کم گوشت علامت نکبت و فحمت بود و اگر مع هزار زرخندان بومی
 باشد برتر بود و پیوه کرده و غنچه خوش گوشت که یک چنین باشد
 علامت سعادت و دولت بود و لبهای سرخ و باریک و باریک
 علامت سعادت بود و لبهای سیاه و دراز علامت فحمت و پیوه
 بود و اگر مع هزار پشت لب بومی باشد مثل روت مردان برتر بود

گردن

زرخندان

غنچه

لب

و آن زن تمام عمر در بوی نکبت و فلاکت بگذرانند و همان تنگ مثل غنچه
 یادمان سپید علامت سعادت و دولت بود و همان فراخ و دراز چنانچه
 در وقت خنده دیده می‌باشد از آنهای که سی بنابر علامت رنج و محنت و فلاکت بود
 و از آنهای خرد و بران و آبر مثل دانه‌ها علامت سعادت و دولت
 بود و از آنهای پس دراز و بلند و بچلا علامت نکبت و فلاکت بود و
 و از آنهای نامور و پست و بلند علامت است که فرزندانش زینند و
 بزرگتر کشته سیاه یعنی سیاهی گوشت بیج و دندان علامت نکبت و فلاکت بود
 و بعضی بکس گفته اند زبان سرخ و باریک علامت سعادت و دولت
 بود و زبان بطبر و سفید و درشت علامت نکبت و فلاکت و سیوگی بود
 و آن زن همیشه بویه باشد و اولادش نیز پدر و زبان سیاه علامت نکبت بود
 و بد خلقی و بد خلقی و بد بینی زنان بود یعنی بر گرا بد گوید و بر سخن بد که از زبان
 بر آید و اثر آن زود ظاهر شود گام سرخ سیاه گوشت علامت سعادت
 و دولت بود و گام سفید علامت کنیزی و پرستاری بود و گام زرد
 علامت فتن و فحش و دروغ و غلوئی باشد و گام سیاه علامت نکبت و فلاکت
 و بد خلقی بود و گام فریب و پر گوشت علامت بی دولتی باشد یعنی سیاه

دین

زین

بج

زین

ح

بج

و خوش اندام مثل بقار طوطک غنچه گل جنبه و غیر آن علامت سعادت دولت
 بود و بی خرد و فریب و از پیش فرو افتاده علامت کینگی و پریشانی بود و
 پیرن مثل می کرم علامت فتنه و فجور و بدکاری بود و اگر سر بی سیاه از
 نو نوک دار باشد علامت خشم و غضب و بد خلقی بود اگر در رخسار بوقت سخن گفتن
 با خندیدن سناک افتد و در پرتان زن بپزند و بعضی گویند آن زن شوهر
 خود را خوش بخت کند و دیگر را بخوابد و خود کام باشد چشمهای دراز و بی نهایت
 سیاه و بعضی چشم بنایت سفید و رگ بسا در و باریک سرخ و سفیدی چشم شمشیر
 و پراکنده و آبدار و پر شرم علامت سعادت و دولت بود و چشمهای سرخ علامت
 ریخت و محنت بود و چشمهای از روق علامت بدکاری و بد خلقی و شرارت بود اگر
 باشد چشمهای مال زبرد علامت عقل و شعور بود اما زود بیهوده کرد و ابرو
 دراز کشیده و خنجر و خوش روی و ناله دار علامت سعادت و دولت باشد و
 ابروی کوتاه و بخوی و کم سوی علامت ریخت و محنت و فلاکت و بیهوشی بود
 ابروی پیوسته که میان دو ابرو سوی بسیار باشد علامت بدکاری و بد خلقی بود
 گوش پیرن کلان مثل غله نشان علامت کسب و فلاکت و بیهوشی بود و بوی
 کوش علامت کسب و فلاکت باشد ^{چنانچه} پیشانی که بقدر سه شصت یا چهار شصت ^{بود}

نیک

چشم

رسم

تعب

چشم

و در از و بلند و تنور از موی صاف پاک بود علامت سعادت دولت بود و **خالی**
در پیشانی علامت است که آن بن بر سر از زخمه و بختند باشد و اگر وقت خن در
پیشانی چین بخشد علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی شکست ظاهر شود
علامت است که آن بن بر سر از زمان خداوندی و صاحبی و حکم را می کند
و پیشانی تنگ و موی علامت کسب و فلاکت باشد موی ماسی سر دراز و سیاه
و بر این علامت سعادت دولت بود و مویهای سطر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه و سر و میگون مایل بر سر که پراکنده و پریشان باشد و در پیشانی
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان و پیاده مانده علامت کسب و فلاکت و
بر کونی و بر خلقی بود موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و مضل بود
و موی برگردن علامت فلاکت و کسب باشد و زنیکه بر چهره اش علامت
شجاعت مردانگی ظاهر باشد و بر بدن موی بسیار باشد علامت کسب و بیوگی
بود موی بسیار و درشت بر بدن مثل موی میل و کا و علامت کسب و کسب
و پرستاری بود اگر در عضوی بعضی جای باشد و خم و پیچ خورده باشد علامت
باشد چنانچه زیاده ارشش ماه شوهرش تردید و در سامی کبوی علامت کسب
و دو موی نمکس آن باشد که در عرق بدن نمی آید و خون با بوی تلخ بوی درخت

خالی

ک

کچین

سکرت

بیعی

دلی

وکل نوری یا نیکو که بر آید این همه علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر نوبی بر
 و شانس کاوشی مثل کندک و زنج و چوبه ندر واهی آید و در حقیقت نکبت
 باشد و و باغ آرزو نکل تواند کرد این همه علامت نکبت و فلاکت و بیوگی می
 و اگر نوبی کسی لاکه آید و از انج بهم رسد و اگر نوبی کل چنبا باشد یا شند
 علامت سعادت و دولت بود اگر از دانش رواج خوش پسندید و آید علامت
 و سعادت است و اگر رواج منته و گنده آید علامت نکبت و فلاکت است و
 شوهر باشد و زنیکه بسیار در از بالا یا کوتاه یا بسیار خشک یا غریب یا فریب
 باشد علامت بد بود و زنیکه بسیار رخسار و بسیار خواب یا پر کو و یا بسیار رخسار
 باشد و یا بی سببی حیران و فکر زده باشد و سینه منجم باشد و سوج بسیار خندد و
 یا بگرد و یا بسیار خشم گیر و علامت نکبت و فلاکت باشد و زنیکه در راه رفتن
 بسیار بچند خم و خم بسیار و شسته باشد و پشامی شوخ و شنگ و شسته باشد
 و دیده را در کاس چشم بسیار بگرداند و پشت چشم نازک کند علامت بدکاری
 و عیاری بود و بهر وقت در حسن خلقت و صورت و تناسب عضا و حسن

نوبی و سببی

بسیار خوار
 بسیار خواب
 پر کو بسیار
 خاموش

و کارم اخلاق علامت سعادت و دولت بود و
 بالعکس آن عکس آن باشد و بعد علم

الحیات

فیجلیج فادجباب فادت باب هر علم و فن آفت سوات سخن بقول بارگاه لایزال
مولوی محمد باوی علی اند طلاله العالی

محمد خدای کرمل آدم سوت خوش فرمود و علامات خیر و سعادت در جسم انسان و مصداق
زکات سنی و خصال رحمت است از خانه اشترافش نفوذش گم ناگون بر گزی ایجا و شست و درود
مرد و عز و دلها تا هر که تناسل اعضا که ملک است زنگیر آ و روه و در صبر جانبا و سنی
بزم مکان جهان آتش سست و کشت ارا مید ز بر تو حسن بشر تان به سست علیه
و اسلام علی که و صاحب الکرام بعد ازین نمی که که این صحیفه معرفت نشان علامات سعادت و شقاوت
کار نامه زیر کان بهوشندان که ساله قیام مردان و زنان که علمی عجیب کاشف
نکات غریب است که مکنون خبر دران ضمیر و ناشای قوت یزدان ازان مسیر با تمام انسان
عین انسان بخت و دولت حاجت بخش رضین مولوی محمد حسین مقام سوره و شعر کاپور و جمال

متصل چک مکان تیار ام صفایا بزم و کجی ملک از بخت سید لا بر که
علیه السلام و اگر و کجی ملک از بخت سید لا بر که
در گشت و سیر

ALL No. { 13128 ACC. NO. 13128
 JTHOR هادی علی
 TLE قباضہ

R. Acc. No. 13128
 Book No. 111
هادی علی
قباضہ

ED AT THE TIME

Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY

ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

The book must be returned on the date stamped above.

A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-books and **10 Paise** per volume per day for general books kept over - due.

